

گزیده‌هایی از ارزیابی پایداری توسعه‌ی محلی در کلاردشت

کوروش برارپور

پژوهشگر و صاحب‌نظر در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار و مدیریت بومی ایران

bararpoor@yahoo.com

سیدکیانوش کلانتر

پژوهشگر در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار

skkalantar@yahoo.com

این مقاله در مجله تدبیر - شماره ۱۸۰، چاپ می‌شود.

چکیده

امروزه در سراسر دنیا، به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته (و بعضاً در حال توسعه همچون: مالزی، آفریقای جنوبی، هند، چین و ...)، جهت‌گیری‌های استراتژیک در حوزه مدیریت شهری به گونه‌ای تعیین می‌شود تا شهرهای فردا و یا آینده‌ی شهرها را آن‌گونه که بایسته است شکل داده و بازسازی نمایند. اما استراتژی‌های توسعه‌ی شهری در برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته همچون کشور ما - ایران - به صورتی تدوین و اجرا می‌شود که تنها بعد اقتصادی توسعه را مورد توجه قرار می‌دهد. استراتژی‌های توسعه‌ی اقتصادی بدون در نظر داشتن ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی آن، پیچیدگی‌های پویایی را ایجاد می‌کند که بواسطه آن، عوامل اصلی توسعه‌یافتگی به جای آن‌که به عنوان پیش‌ران فرایند توسعه عمل کنند، با تأخیرهای زمانی، در مقابل آن قرار می‌گیرند؛ که در این صورت این‌گونه توسعه‌ها را ناپایدار تلقی می‌کنند. این مقاله؛ گزیده‌ای از یافته‌های مطالعه - ای را ارائه می‌کند که با استفاده از روش‌ها و الگوهای علمی، استراتژی‌های (نابناشته‌ی) توسعه‌ی شهری و وضعیت پایداری توسعه‌ی محلی را در کلاردشت مورد نقد و بررسی علمی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تحول، توسعه پایدار (SD)، استراتژی‌های توسعه شهری (CDS)، سازمان‌های مردمی (NGOs)، کلاردشت

واژه‌های مکمل: شهرهای فردا، آینده شهرها

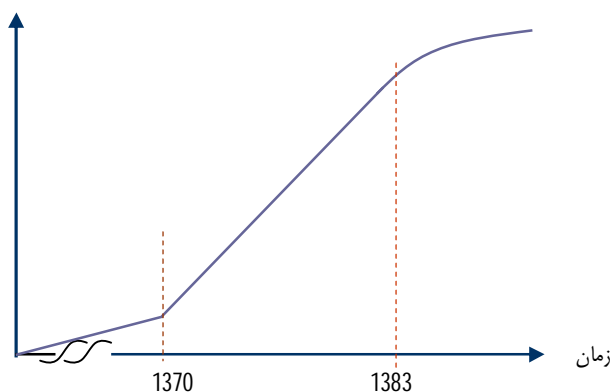
1. دیباچه

امروزه ادبیات مدیریت راهبردی توسعه با گذر از توجه صرف به افزایش سرمایه‌های فیزیکی به طور فزاینده‌ای توجه خود را به مدیریت انواع سرمایه‌های تأثیرگذار در فرایند توسعه همچون سرمایه‌های طبیعی¹ (شامل: خدمات، کارکردها، فرایندها و منابع زایش‌پذیر بیولوژیکی در کنار منابع زمینی زایش‌ناپذیر نظیر مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی)، سرمایه‌های انسانی² (شامل: دانش، مهارت، سلامت، تغذیه، ایمنی، امنیت و انگیزه انسان‌ها)، و سرمایه‌های اجتماعی³ (شامل: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، تشریک مساعی، برابری فرصت‌ها، آزادی تشکل‌های صنفی، نظم) معطوف کرده است (Gladwin et al., 1995, White, 2004). همچنین اتحادیه اروپا (EU, 2000) در پنجمین و ششمین چهارچوب برنامه‌ریزی خود برای آینده‌ی شهرها اعلام می‌کند: "طی یک دهه گذشته، مفاهیم و منطق توسعه پایدار در، جهت‌گیری‌های راهبردی توسعه شهری گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است".

اگر چه مفهوم توسعه یا توسعه یافتگی مفهومی عام بوده و معمولاً با متغیرها کلان ارتباط دارد اما مطالعات این پژوهش بر اساس مفاهیم نوین توسعه که در قالب توسعه پایدار محلی⁴ مطرح می‌شود، بر منطقه کلاردشت از استان مازندران، به عنوان مطالعه موردی متمرکز است. ریس⁵ به نقل از گان (Gunn, 1994) می‌گوید: "توسعه پایدار محلی، تغییر اجتماعی - اقتصادی مثبتی است که سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی و اکولوژیکی جامعه محلی را تحت تاثیر و تغییر اساسی قرار نمی‌دهد و تحقق موفقیت آمیز آن به فرایندهای منسجم سیاسی، برنامه ریزی، مدیریتی، پایش و یادگیری اجتماعی نیازمند است. همچنین کارایی سیاسی آن به مشارکت فعال ساکنان محلی بستگی دارد که آن، از طریق مساعدت دولت، موسسات اجتماعی و ارتباط به خوبی مدیریت شده‌ی ذینفعان صورت می‌گیرد".

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دلیل نا کارآمدی ابزار و ارکان توسعه محلی در کلاردشت، طی 20 سال گذشته عوامل اصلی توسعه یافتگی در جهت زدایش محیط زیست آن عمل کرده است و نه توسعه پایدار. رفتار مرجع⁶ شکل 1، روند روبه رشد زدایش را در این منطقه که در بخش‌های بعدی به بررسی علت‌های آن پرداخته می‌شود، نمایش می‌دهد. این نمودار بیان می‌کند که، بعد از رخداد زلزله شمال کشور - با مرکزیت بلده مازندران - در اردیبهشت 1383 و تحولات سیاسی کشور در تیر 1384، سیر فزاینده زدایش تا حدودی فروکش کرده است (برارپور، 1384).

نرخ زدایش محیط زیست کلاردشت



شکل 1. رفتار مرجع زدایش محیط زیست کلاردشت (منبع: یافته‌های پژوهش)

اگرچه سیر فزاینده زدایش‌های یادشده منجر به افزایش نسبی نرخ رشد اقتصادی و با به عبارت دیگر افزایش نسبی سرمایه‌های فیزیکی¹ در این منطقه شده اما، کاهش سرمایه‌های انسانی²، اجتماعی³ و طبیعی⁴ را در پی داشته است.

¹ Natural Capitals

² Human Capitals

³ Social Capitals

⁴ Local Sustainable Development

⁵ Rees

⁶ Reference Mode

⁷ Physical capitals

⁸ Human Capitals

⁹ Social Capitals

این نوشتار پس از تبیین تاریخچه‌ای کوتاه از فرایند توسعه در کلاردشت و مرور پیشینه پژوهش، به بیان مختصری از مبانی علمی مدل‌ها و روش‌شناسی¹ پژوهش و واکاوی نتایج آن می‌پردازد.

2. تاریخچه‌ای کوتاه از فرایند توسعه در کلاردشت

اگرچه پروژه توسعه کلاردشت یکی از اولویت‌های طرح انقلاب سفید پهلوی دوم به حساب می‌آید (ابوترابی‌ان، 1371) اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس توصیه یکی از دولت مردان کشورمان به سرمایه‌داران داخلی در اردیبهشت 1370، مبنی بر انتقال سرمایه خود به منطقه کلاردشت به منظور توسعه جاذبه‌های گردشگری آن (روزنامه اطلاعات، 1370)، خیل عظیمی از سرمایه‌های آنها به کلاردشت گسیل شد. این در حالی بود که پیش از آن، هیچگونه مطالعه امکانسنجی‌ای در خصوص توریستی شدن کلاردشت صورت نگرفته بود! البته صاحبان سرمایه، نه با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری بلکه با نگاه اعیان‌نشینی به جاذبه‌های گردشگری منطقه و با اهداف سوداگرایانه به خرید و فروش زمین‌های مردم کلاردشت که (همچون مردم دیگر نقاط ایران) به تازگی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی دوران انقلاب، جنگ و پس از جنگ را پشت سرگذاشته بودند و در ابتدای دوره گذار قرارداشتند، مبادرت کردند. پیامد ناشی از خرید و فروش زمین‌های کشاورزی مردم، تنها در کاهش سرمایه‌های انسانی در آن منطقه خلاصه نمی‌شد بلکه جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمین‌های منطقه، دینامیکی را ایجاد می‌کرد تا به واسطه آن، مردم برای رسیدن به سهم بیشتری از منافع کوتاه مدت اقتصادی، اقدام به تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی کنند و یا جهت رسیدن به سود اقتصادی بیشتر، به فروش چندباره زمین‌های خود بپردازند! و همین امر زمینه‌ساز کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همچون: اعتماد متقابل، آرامش، امنیت، تشخیص فرهنگی⁵ و ... در منطقه گردید. البته جذابیت گران شدن زمین‌های کلاردشت تنها بین مردم بومی و تازه واردین به منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه در نیمه 1370، با مطرح شدن احداث پروژه آزاد راه تهران - شمال دینامیک‌های دیگری جهت کاهش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت آشکار شد که به موجب آن 700 هکتار از بهترین جنگل‌های پهن‌برگ¹³ کلاردشت بابت پروژه یاد شده به دستگاه‌های دولتی و مجریان پروژه واگذار می‌شد (ابراهیمی - سازمان جنگل‌ها، 1379).

همچنین در نیمه اول دهه 1380، دینامیک دیگری جهت تخریب جنگل‌های پهن‌برگ کلاردشت شکل گرفت که طرح خروج دام از مرتع نام داشت. به موجب این طرح، معادل مراتعی که مالکیت آنها در اختیار دامداران بومی منطقه بود، جنگل‌های مشرف به شهر کلاردشت به آنها واگذار و به طور خودگردان، منجر به تغییر کاربری زمین‌های یادشده از وضعیت بکر یا کشاورزی به مسکونی می‌شد (برارپور، الف 1385). این واقعیت تداعی - کننده اصل انتقال فشار در تئوری سیستم‌ها و یا قانون بقای تخریب - همسان با قانون بقای جرم در علم فیزیک است. پروژه‌های دیگری که منجر به زدایش سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر (اکولوژیک یا تجدیدپذیر) و زایش ناپذیر (مادی یا تجدیدنپذیر) منطقه کلاردشت شده، پروژه استخراج سنگ‌های تزئینی رودبارک و احداث سد و نیروگاه آبی سیاه بیسه است (سلیمان‌پور، 1384). پروژه دیگری که زدایش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت را تکمیل می‌کند پروژه واگذاری جنگل‌های حاشیه این شهر به کارمندان دولت است. بر اساس مستندات این طرح، اداره کل منابع طبیعی استان مازندران در اواخر دهه 1370، با بوته زار تلقی کردن جنگل‌های مناطق طبرسو، لاهو و حسن کیف حدود پنج هکتار از آنها را به کارمندان دولت واگذار نمود که اغلب این افراد نیز پس از دریافت مبالغ ناچیز، این منابع را به ثروتمندان منتقل کردند (سلیمان‌پور، 1384).

3. مرور پیشینه پژوهش

رویدادهای یادشده، سمت و سوی اولیه این پژوهش¹⁴ را که هدف آن سنجش و ارزیابی پایداری توسعه در کلاردشت بود در اوایل 1377 مشخص می‌کرد که در اواخر 1383 به پیشنهاد شورای شهر کلاردشت منجر به شکل‌گیری طرحی با عنوان: "تدوین چشم‌انداز و استراتژی‌های 20 ساله آینده کلاردشت برای افق 1404، براساس سند چشم‌انداز ملی" و همچنین سبب تأسیس یک سازمان مردم‌نهاد (NGO)، با رویکرد ساختارموازی

¹⁰ Natural Capitals

¹¹ Methodology

¹² Cultural Identity

¹³ بنا به اظهار نظر یکی از کارشناسان یونسکو، این جنگل‌ها در نوع خود در تولید اکسیژن، زایش و تجدیدشوندگی، در جهان، بی‌مانند و منحصر به فرد است (کوه‌های تخت سلیمان

کلاردشت و جنگل‌های آن از طرف یونسکو جزء مناطق حفاظت شده اعلام شده است)

¹⁴ تامین منابع مالی این پژوهش به صورت خودجوش و مردمی بوده و از سوی شورای شهر کلاردشت نیز مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است.

و با نام "بنیاد توسعه پایدار کلاردشت" شد. سازمان‌های با ساختار موازی در بخش عمومی، سازمان‌هایی هستند که با هدف حل مسئله به سازمان‌های با ساختار رسمی در بخش دولتی، یاری می‌رسانند (کامینگز، 1385). مبانی علمی این پژوهش مبتنی بر مفاهیم توسعه پایدار و با تکیه بر دانش علوم مدیریت تحول، پایه‌ریزی شده و طی هشت گام وارد فاز اجرا شد که عبارتست از: ورود، آسیب شناسی و عارضه‌یابی، گردآوری داده، پردازش اطلاعات، ارایه بازخورد اطلاعات عارضه‌یابی به ذی‌نفعان طرح، طراحی برنامه‌های تحول بر اساس منطق توسعه پایدار، رهبری و مدیریت تحول، ارزیابی و نهادینه‌سازی برنامه‌های تحول. گردآوری داده‌های اولیه پژوهش براساس: مشاهده، پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته و برای بررسی اسناد، قوانین، دستورالعمل‌ها و رویه‌های اعمال شده برای اداره مدیریت شهری و واگذاری سرمایه‌های طبیعی به افراد، از روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا (ی اطلاعات) استفاده شده است. همچنین گردآوری داده‌های ثانویه نیز بر اساس: مشاهده سایه به سایه¹⁵، پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته و برای پردازش اطلاعات پژوهش از الگوها و مدل‌های موجود در حوزه مدیریت تحول و توسعه پایدار استفاده شده است. فرض بنیادی این پژوهش این است که توسعه صورت گرفته در کلاردشت طی 20 سال گذشته، پایدار نبوده و جامعه انسانی و طبیعی کلاردشت از 3 مسئله کلیدی (از جنس؛ هم‌فوری¹⁶ و هم‌ضروری¹⁷) رنج می‌برد که عبارتند از: 1. تخریب محیط زیست 2. ساخت و سازهای غیرمجاز 3. رشد ایستای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی. هدف اساسی این پژوهش علاوه بر سنجش و ارزیابی میزان پایداری توسعه در کلاردشت، پیشنهاد سیاست‌های مناسب برای انتقال آن جامعه به سمت آینده‌ای مطلوب نیز می‌باشد. برای ترسیم آینده‌ای مطلوب برای این شهر، حدود 80 شهر از سراسر جهان همراه با مدل‌ها و الگوهای توسعه آنها که 50 سال آینده را هدف قراردادده است مورد بررسی قرار گرفت. طرح تدوین چشم‌انداز و استراتژی‌های 20 ساله آینده کلاردشت، منجر به تصویب طرحی با عنوان: "طرح تحول فراگیر استان مازندران براساس منطق توسعه پایدار" از سوی استانداری مازندران گردید که بر این اساس کلاردشت به عنوان پایلوت، برای اجرای آزمایشی طرح معرفی شد. اهداف بمب (بزرگ، مهیج و بی-باکانه) این طرح در بر گیرنده‌ی 7 منظر استراتژیک است (برارپور، 1385).

4. معرفی الگویی راهبردی برای اندازه‌گیری پایداری توسعه

امروزه سازمان‌های بین‌المللی دست‌اندرکار توسعه از شاخص‌هایی ترکیبی برای اندازه‌گیری توسعه پایدار استفاده می‌کنند (Soubbotina, 2004). بانک جهانی توسعه پایدار را "فرایند مدیریت سبدی¹⁸ از دارایی‌ها به منظور حفظ و اعتلای فرصت‌هایی می‌داند که مردم پیش رو دارند." بانک جهانی این سبد را متشکل از سه دسته سرمایه فیزیکی، طبیعی، و انسانی دانسته و بر این اساس شاخصی به نام "ذخیره خالص تعدیل‌شده"¹⁹ را برای اندازه‌گیری توسعه پایدار مطرح کرده است. (The World Bank, 2006d). این شاخص نرخ واقعی ذخیره را در یک اقتصاد پس از محاسبه میزان کاهش یا افزایش سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، و انسانی می‌سنجد (Bolt et al., 2002).

گلادوین (Gladwin, 2000) بر اساس مفهوم ذخیره خالص تعدیل‌شده الگویی راهبردی برای توسعه پایدار پیشنهاد داده که براساس اولویت دادن به سرمایه‌های طبیعی و اجتماعی، نسبت به سرمایه‌های فیزیکی و تولیدی پایه‌ریزی شده است. در این الگو، که در شکل 3 نمایش داده شده، سرمایه‌های طبیعی²⁰ و سرمایه‌های اجتماعی²¹ بیش از آن که به عنوان جایگزین دارایی‌های مصنوع بشر²² نگریده شوند، به عنوان مکمل آن فرض می‌شوند. چون بهره‌وری هر نوع سرمایه به وجود انواع دیگر وابسته است، پس هر گونه سرمایه معرفی شده در الگو می‌بایست جداگانه سالم باقی بماند - به معنای دیگر هیچ کدام نمی‌توانند جای خالی دیگری را پر کنند (کلانتر و برارپور - مجله تدبیر، 1385).

¹⁵ Shadow Observation

¹⁶ Urgent

¹⁷ Important

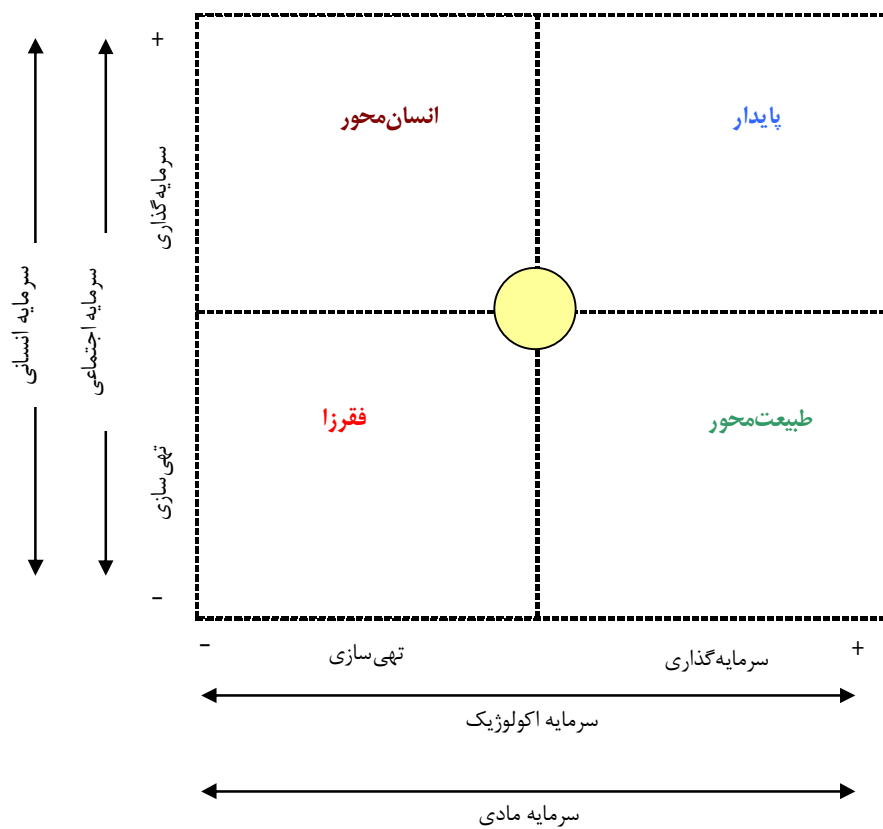
¹⁸ Portfolio

¹⁹ Adjusted Net Saving (formerly called *Genuine Saving*)

²⁰ Natural Capital

²¹ Social Capital

²² Manufactured Capital



شکل 2. پایداری به معنای سرمایه گذاری و مراقبت سبب سرمایه ها (Gladwin, 2000)

5. بومی سازی الگوی راهبردی توسعه پایدار برای منطقه کلاردشت

پژوهش حاضر، کار خود را بر مبنای مفاهیم ارایه شده در الگوی ذخیره خالص تعدیل شده توسط بانک جهانی و الگوی راهبردی گلاودین بنا نهاد. بر این اساس الگوی راهبردی معرفی شده در شکل 3 با الهام گیری از ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام راهبردی²³ (David, 2001) تکامل یافت و در قالب شکل 4 به کار گرفته شد.

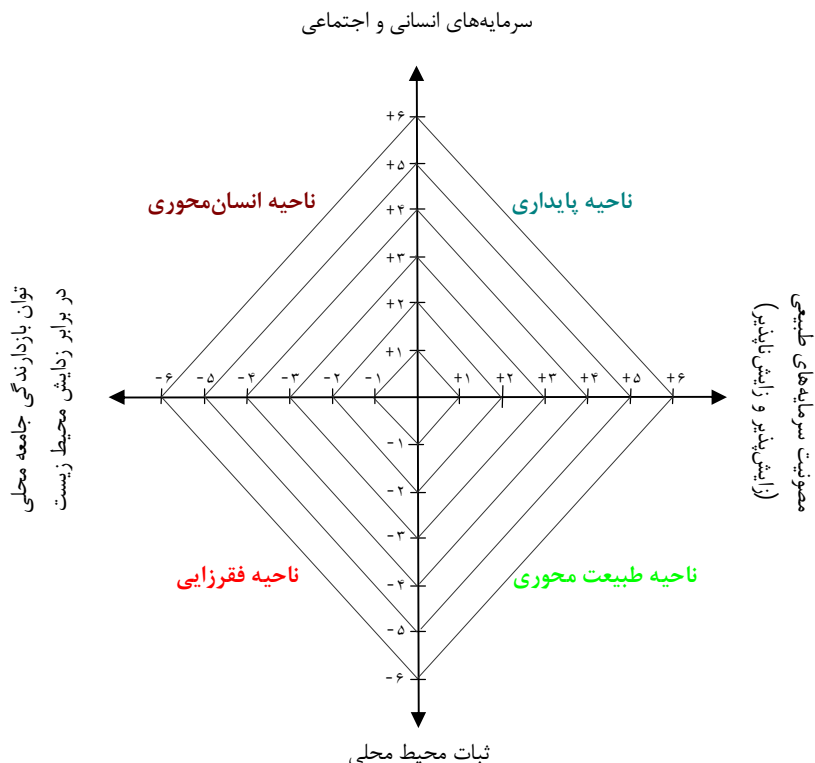
نمودار شکل 4 دارای همان چهار ناحیه معرفی شده در الگوی گلاودین است و وضعیت منطقه کلاردشت را از منظر پایداری توسعه در سال های اخیر نشان می دهد. با توجه به این موضوع، ابعاد چهارگانه ای که در محورهای نمودار بررسی می شوند عبارتند از: سرمایه های انسانی و اجتماعی کلاردشت، مصونیت سرمایه های طبیعی کلاردشت (اعم از سرمایه های طبیعی زایش پذیر و زایش ناپذیر)، ثبات محیط کلاردشت و توان بازدارندگی جامعه محلی کلاردشت (در برابر زدایش سرمایه های طبیعی).

در این مرحله معیارها و شاخص های معرف هر یک از ابعاد چهارگانه، انتخاب و در قالب "پرسشنامه جامع اندازه گیری" مورد ارزیابی قرار گرفت (Grootaert et al., 2004). این پرسشنامه به ویژه برای کاربرد در کشورهای در حال توسعه طراحی شده است. در این راستا:

- سرمایه انسانی کلاردشت با معیارهای "دانش، مهارت ها، شایستگی ها و سایر ویژگی های محلی که تسهیل گر خلق رفاه شخصی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه است" تعریف گردید (OECD, 2001).
- سرمایه اجتماعی نیز در این پژوهش به عنوان "روابط، شبکه ها و هنجارهایی تعریف شد که کنش جمعی را تسهیل می کند" (OECD, 2001) تعریف گردید.
- در حوزه سرمایه های طبیعی از شاخص های توصیه شده توسط بانک جهانی (Segnestam, 2002, Segnestam, 1999) برای انجام پژوهش استفاده شد.

²³ Strategic Position and Action Evaluation (SPACE)

- در بررسی بعد ثبات محیط محلی، معیارهای زیر به عنوان عوامل تثبیت یا عدم تثبیت فرایند توسعه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کلاردشت بررسی گردید: (The World Bank, 2006b) سازمان‌های جامعه مدنی؛ تحولات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی کلان؛ توافقات تجاری، حوادث غیر مترقبه، تحولات فناوری و



شکل 3. الگوی بومی شده برای ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت بر اساس چارچوب SPACE (منبع: یافته‌های پژوهش)

- بالاخره در آخرین بُعد، توان بازدارندگی جامعه محلی در برابر زلایش محیط زیست با استفاده از شاخص‌های زیر مورد پرسش قرار گرفت: توانمندی سازمان‌های غیردولتی محلی در آگاه‌سازی مردمی و فرهنگ‌سازی؛ توان علمی تحصیل کرده‌های محلی در حل مسئله‌های واقعی جامعه کلاردشت، اثرگذاری افراد صاحب‌نقد محلی بر دستگاه‌های دولتی جهت کاهش یا جلوگیری از زلایش؛ جسارت مدیران محلی در برابر عاملان زلایش؛ حمایت مدیریت ارشد استانی و کشوری از طرح‌های توسعه پایدار محلی؛ حمایت خیرین اقتصادی از طرح‌های تحول و توسعه پایدار محلی.

6. سنجش وضعیت پایداری توسعه در کلاردشت

پس از معرفی و تبیین معیارهای معرف چهارگانه نمودار ارزیابی توسعه پایدار در منطقه کلاردشت برای 31 نفر از افراد مطلع و خبرگان محلی، طی ملاقات‌هایی حضوری و با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای نظرات ایشان در مورد این معیارها سنجیده شد. در این مرحله، از چارچوب توسعه - داده شده توسط ولفرد (Welford, 1997) برای ارزیابی وضعیت توسعه پایدار الگو گرفته شد. استفاده از الگوی ولفرد مقیاس ارزیابی ابعاد چهارگانه نمودار توسعه پایدار را از شش واحد مرسوم در ماتریس SPACE به هفت واحد تغییر داد. این هفت واحد در پرسشنامه‌هایی که به افراد داده شد در قالب عبارت‌های: "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "نسبتاً مخالفم"، "نه مخالفم و نه موافقم"، "نسبتاً موافقم"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" خود را نشان می‌داد.

در این مرحله مشابه روش SPACE:

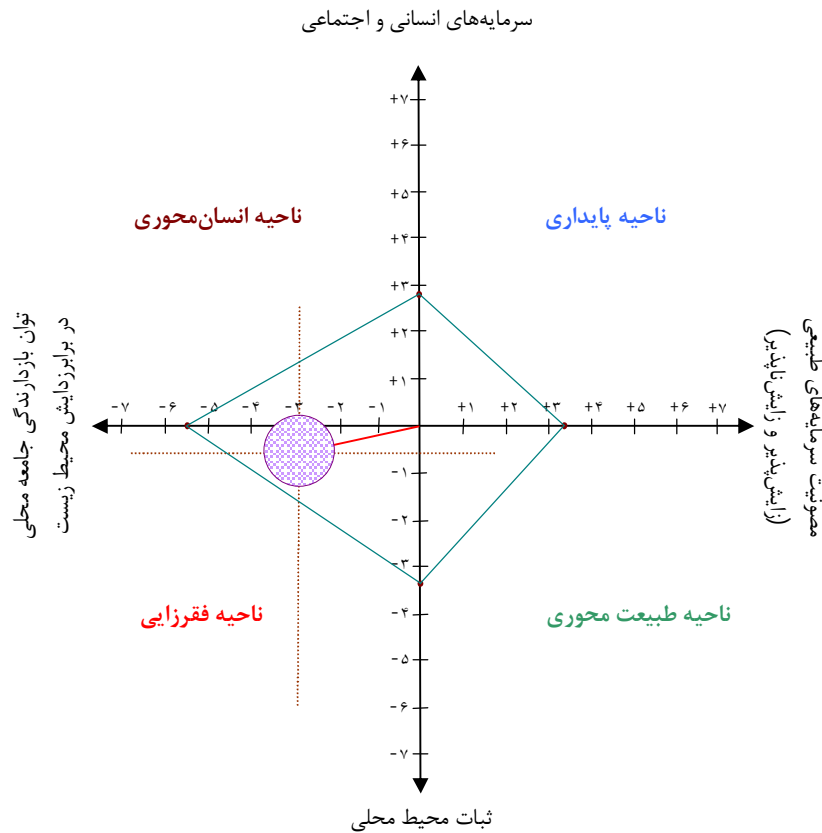
1. در محورهای سرمایه‌های انسانی - اجتماعی و سرمایه طبیعی، به معیارها از +1 (کاملاً مخالفم) تا +7 (کاملاً موافقم) نمره داده شد.

2. در محورهای ثابت محیط محلی و توان بازدارندگی جامعه کلاردشت در برابر زدایش، به متغیرها از 1- (کاملاً موافقم) تا 7- (کاملاً مخالفم) امتیاز داده شد.

در ادامه از روش موسوم به وزن دهی ترجیحی (PW)²⁴ برای تعدیل نمودار SPACE استفاده شد که نتایج حاصل از آن در قالب شکل 5 قابل مشاهده است.

7. واکاوی نتایج

در شکل 5، مقیاس (+7) معرف حداکثر مصونیت برای سرمایه‌های طبیعی و همچنین بیشترین مقدار انباشتگی برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی می‌باشد؛ اما؛ ملاحظه می‌شود که محاسبات انجام شده، هر دو معیار را کمتر از حد متوسط (+3/5)، نشان می‌دهد. از دیگر سو، مقیاس (-7) نشان دهنده کمترین توان بازدارندگی جامعه محلی در برابر زدایش محیط زیست و معرف حداقل ثبات محیط محلی می‌باشد. محاسبات انجام شده با استفاده از روش PW، حاکی از آنست که میل دو معیار اخیر در کلاردشت، به سمت حداقل است. به عبارت دیگر، ناموزون بودن فرم ظاهری چهارضلعی واقع در دستگاه مختصات شکل 5، مبین ناپایداری و یا نامتوازن بودن توسعه محلی در کلاردشت است.



شکل 4. نتایج حاصل از ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت براساس چارچوب ولفرد و روش PW (منبع: یافته‌های پژوهش)

اگرچه مرکز ثقل چهارضلعی یاد شده که از تلاقی برابری چهار راس آن ایجاد شده، در ناحیه فقرزایی قرار دارد؛ اما؛ دایره‌ی به شعاع واحد و به مرکزیت مرکز ثقل چهارضلعی، دربرگیرنده ناحیه انسان محوری نیز می‌باشد. البته این بدان مفهوم است که حدود 10 درصد از حجم توسعه صورت گرفته در کلاردشت، انسان محور و حدود 90 درصد آن فقرزا عمل کرده است. باید توجه داشت که انسان محور بودن توسعه در کلاردشت به مفهوم گسترش سرمایه‌های فیزیکی است که با کاهش سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و طبیعی همراه بوده است.

²⁴ Preferred Weighting (PW)

خلاصه اینکه؛ نتایج حاصل از مطالعات این پژوهش از ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت حکایت می‌کند. انتساب صفت ناپایداری به توسعه در کلاردشت، برای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی - به مفهوم کاهش، برای سرمایه‌های طبیعی زایش‌پذیر - به مفهوم تهی‌سازی اما بازگشت‌پذیر و برای سرمایه‌های زایش‌ناپذیر - به مفهوم تهی‌سازی و غیرقابل بازگشت است.

8. پیچیدگی پویا در برنامه‌های توسعه‌ای اقتصاد کلان کشور

جان استرمن، استاد MIT می‌گوید: علت پیچیدگی یک سیستم، پیچیده بودن اجزاء آن نیست بلکه پیچیدگی یک سیستم ریشه در نادیده‌انگاشتن ارتباط بین اجزاء آن، توسط ذینفعان تصمیم دارد. شاید از دیدگاه تئورسین‌های توسعه و مدیران کلان کشورمان، برنامه‌های توسعه اقتصادی، در بر گیرنده تمامی جنبه‌های توسعه باشد، اما واقعیت اینست که به دلیل نادیده انگاشتن ارتباط منطقی بین ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه با بعد اقتصادی آن، در طول زمان دینامیک‌هایی را ایجاد می‌کند که عوامل اصلی توسعه یافتگی همچون: نیروی انسانی متخصص، علم، فناوری، خلاقیت، نوآوری و سرمایه را در مقابل توسعه قرار می‌دهد. این امر تداعی کننده مفهوم مقاومت در برابر سیاست در نظریه سیستم‌ها نیز هست. مورفی می‌گوید: هر چیزی که ممکن است اشتباه پیش رود، اشتباه پیش می‌رود. اغلب برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورمان پس از فاز پیاده‌سازی به گونه‌ای جلوه می‌کند که گویی از پیشینه و پشتوانه کارشناسی قوی، در فاز برنامه‌ریزی برخوردار نیست. معمولاً برنامه‌های توسعه‌ای کشور به صورت عام طراحی، و قبل از اینکه به صورت آزمایشی در یک یا چند پایلوت اجرا شود به صورت فراگیر و گسترده به کلیه دستگاه‌ها ابلاغ می‌شود که این امر نیز خود زمینه‌های ناپایداری توسعه را در ابعاد خرد و کلان در کشور ایجاد کرده است.

یکی دیگر از علت‌های ناکامی برنامه‌های توسعه‌ای کشور که ناپایداری توسعه را رقم می‌زند، تعبیرها، تعاریف و یا برداشت‌های ناصحیح از مفاهیم اساسی توسط مردم و مسئولین دست‌اندرکار توسعه است. به عنوان مثال اگر به تعاریف ارایه شده برای کلید واژه توریسم توسط سازمان‌های معتبر جهانی مراجعه شود ملاحظه می‌شود که:

جهانگردی یا توریسم به معنی حرکت کوتاه مدت و موقت مردم است به قصد بیرون رفتن از محل یا مکانی که به‌طور عادی و دائم در آن زندگی و کار می‌کند. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) جهانگرد را شخصی می‌داند که خارج از محل اقامت همیشگی خود، حداقل برای 24 ساعت و به مدت محدود در گردش و سیاحت باشد. سازمان جهانی جهانگردی نیز، جهانگرد یا توریست را این‌طور تعریف می‌کند: جهانگرد شخصی است که بیش از 24 ساعت و به مدت محدود، به قصدی غیر از کار، در جایی خارج از محل اصلی زندگی همیشگی خود به‌سر برد. در سال‌های اخیر توسعه گردشگری به‌ویژه گردشگری طبیعی (اکوتوریسم) به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمد در تجارت جهانی و مؤلفه عمده در بهبود اقتصادی مناطق و کشورها مطرح شده و شتاب مضاعفی یافته است. به‌نحوی که درآمدهای حاصل از این صنعت رشدی سریع‌تر از درآمدهای حاصل از تولید، فروش و صادرات انواع کالاها و خدمات در برخی از کشورهای گردشگری‌پذیر داشته است. صنعت گردشگری موجب گسترش انواع خدمات، ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه زیرساخت‌ها در اقصی نقاط جهان، شهرها و روستاها می‌شود که در نهایت توسعه انسانی را به همراه می‌آورد. اما در کشور ما به دلیل همسان‌انگاری مفهوم گردشگری طبیعی با مفهوم اعیان‌نشینی، این صنعت پرارزش، ضمن کاهش پایداری توسعه، سبب افزایش موانع و گلوگاه‌های توسعه محلی، در ابعاد مختلف (در کلاردشت و دیگر نقاط کشور) شده است.

9. جمع‌بندی و پیشنهادات

در این مطالعه، پایداری توسعه‌ی محلی در کلاردشت مورد ارزیابی علمی قرار گرفت. فرایند ارزیابی طی هفت گام زیر صورت پذیرفت:

1. شناسایی معیارهای جهانی توسعه پایدار
2. نمونه‌گیری²⁵ از دستاوردهای توسعه محلی در کلاردشت
3. گردآوری داده²⁶
4. صافی‌سازی²⁷ داده‌ها
5. اندازه‌گیری²⁸ معیارهای بومی شده در کلاردشت و پردازش²⁹ اطلاعات
6. پایش³⁰ نتایج حاصل از توسعه محلی و مقایسه آن با معیارهای معرفی‌شده برای توسعه پایدار توسط سازمان‌های جهانی
7. ارائه راه حل برای کاهش یا حذف شکاف بین توسعه محلی با معیارهای جهانی

پس از گردآوری، تنظیم و صافی‌سازی داده‌ها مشخص شد که طی 20 سال گذشته پروژه‌های سریالی همچون: خرید زمین‌های بومیان کلاردشت توسط ثروتمندان غیربومی، پروژه آزاد راه تهران- شمال، طرح خروج دام از جنگل، طرح واگذاری جنگل‌ها به کارمندان دولت، پروژه استخراج سنگ از (معدن بریر) در منطقه رودبارک و نهایتاً؛ احداث سد آبی برای نیروگاه سیاه بیشه، سبب کاهش سرمایه‌های زایش‌پذیر طبیعی و موجب زدایش سرمایه‌های زایش‌ناپذیر طبیعی در کلاردشت شده است. همچنین پردازش اطلاعات باز یافت شده از عمل صافی‌سازی داده‌های این پژوهش که نتایج توسعه محلی را در 20 سال گذشته، با معیارهای جهانی توسعه مقایسه کرده، نشان می‌دهد که؛ توسعه محلی در کلاردشت نه تنها پایدار نبوده بلکه فقرزا و تهی‌ساز نیز عمل کرده است. در واقع، گسترش سرمایه‌های فیزیکی در این منطقه به قیمت کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و یا زدایش سرمایه‌های طبیعی تمام شده است.

مدیران و تصمیم‌سازان کلان کشور بایستی توجه داشته باشند که ابتدا در سنجش و ارزیابی قابلیت اطمینان مدل‌های توسعه‌ای خود حداکثر درایت و حساسیت را به خرج دهند و پس از تست آن در یک یا چند پایلوت مشخص، به نقاط ضعف و قوت آن اشراف پیدا کرده و در جهت رفع موانع موجود تمهیدات لازم را در پیش گیرند.

مدیران و مسئولان محلی و استانی نیز باید توجه داشته باشند که با ارائه مجوزهای غیر کارشناسی شده، منابع ملی و سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اجتماعی را فدای طرح‌هایی نکنند که معمولاً با اصطلاحاتی همچون: حفظ محیط زیست، بهره برداری اقتصادی از طبیعت، سرمایه‌گذاری یا کارآفرینی خلط می‌شود.

یادآوری: استفاده از مطالب این نوشتار (در محافل علمی، اجرایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی)؛ در صورتیکه عبارات آن نیز عیناً منتقل شود، با ذکر منبع و نام مولف، مانعی ندارد.

²⁵ Sampling

²⁶ Data Gathering

²⁷ Filtering

²⁸ Measuring

²⁹ Processing

³⁰ Monitoring

فهرست مراجع

- ابراهیمی، محمدرضا (1379) *مجموعه مکاتبات سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور در پاسخ به اعتراضات مردمی در مورد واگذاری جنگل‌های کلاردشت بابت پروژه آزادراه تهران- شمال*، خردادماه.
- برارپور، کوروش (1384) "چشم‌انداز کلاردشت برای افق 1404- بر اساس ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز ملی"، *مجموعه سخنرانی‌های همایش نخبگان علمی کلاردشت*، بهمن‌ماه.
- برارپور، کوروش (الف 1385) "فوریت، ضرورت و اهمیت ایجاد تحول و توسعه پایدار در کلاردشت"، *مجموعه مقالات اولین گفتمان نیم‌روزه توسعه پایدار در کلاردشت*، فروردین‌ماه.
- برارپور، کوروش (ب 1385) "طرح تحول فراگیر استان مازندران براساس منطق توسعه پایدار"، *مجموعه مباحث علمی طرح‌شده در نشست دفاعیه طرح تحول استان مازندران - نشست مشترک مدیران ارشد استان مازندران و منتخب اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور*، امرداد.
- برارپور، کوروش (پ 1385) "طرح تحول فراگیر استان مازندران براساس منطق توسعه پایدار"، *مجموعه مباحث علمی طرح‌شده در نشست دفاعیه طرح تحول استان مازندران - نشست شورای برنامه‌ریزی استان مازندران*، آبان.
- پهلوی، محمدرضا (1371) *پاسخ به تاریخ*، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، انتشارات رخ، 1371، صص 165-297.
- سلیمان‌پور، شجاع (1384) *توقف فعالیت شرکت بهره برداری از سنگهای تزئینی در کلاردشت*، روزنامه ایران، ۹ آبان.
- هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (1370) "خطبه‌های نماز جمعه تهران - کلاردشت بهشت گمشده!"، *مجلد روزنامه اطلاعات*، اردیبهشت‌ماه.
- کامینگز، توماس جی. و کریستوفر جی. وُری (1385) *تحول و توسعه سازمان*، ترجمه کوروش برارپور، انتشارات ساپکو-فرازاندیش سبز، صص 575 و 770.
- کلیه منابع لاتین (25منبع) در نزد مولفان، قابل دسترس است - به دلیل حجم بالای مقاله، امکان ارایه آنها فراهم نبود.